

در این شماره:

اعتراض در برلین

امتداد مبارزه در ایران است

گفتگو با اصغر کریمی

برگزاری پلنوم یازدهم

کمیته مرکزی

حزب کمونیست کارگری ایران

کنگره سوم

حزب کمونیست کارگری

اکتبر ۲۰۰۰ برگزار میشود

کنگره علنی است

ورود برای عموم آزاد است

آئین نامه انتخابات

کنگره سوم

حزب کمونیست کارگری



پرده آخر

منصور حکمت

با مشخصات ماهوی و موقعیت تاریخی-سیاسی رژیم اسلامی تناقض دارد. خاورمیانه، مادام که اسلام سیاسی از آن ریشه کن نشده، مادام که مساله اعراب و اسرائیل به یک سرانجام قطعی نرسیده، مادام که آینده سیاسی خاورمیانه، ثبات آن و مناسبات کشورها و مردم این منطقه با جهان غرب از بنیاد نامعین و غیر قابل اتکاء است، از نظر بورژوازی و کمپانی‌ها و دول غربی در ته لیست صدور سرمایه و انتقال تکنولوژی و گسترش تجارت خارجی قرار دارد. خاورمیانه از نظر ایدئولوژیکی، سیاسی، فرهنگی بلاتکلیف ترین منطقه جهان است. سرمایه، آنهم سرمایه صنعتی در دورانی که یک انقلاب عظیم تکنیکی در جریان است، به این ابهام سفر نمیکند و در این ابهام ریشه نمی‌داورد. اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی در ایران خود بخشی از صورت مساله عقب ماندگی و درجا زدن اقتصادی خاورمیانه است. نه فقط نمیتواند عامل و عنصر پیشبرنده رشد سریع کاپیتالیستی در ایران باشد، بلکه خود از اولین موافع آن است. این تناقض فقط بر جناح راست و اسلامیون افراطی در ایران نیست که صدق میکند. جناح دوم خداد هم در همین بن بست قرار دارد. "دیالوگ تمدن‌ها" و بهبود مناسبات با دول غربی و حتی بازگشایی سفارت‌های دولتها غربی تغییر ملموسى در این تصور عمومی نمی‌دهد. بحث بر سر رفع تشنج و بهبود مناسبات دیپلماتیک با غرب نیست (که حتی همین هم بدون از ریشه زدن جناح راست برای دوم خدادی ها میسر نیست). معطل

واقعیت‌های تری از دینامیسم تحول سیاسی در ایران دارد.

میدانند که حکومت و اسلام بی ریشه تر از آن است که جای عقب نشینی داشته باشند.

میدگر بحث "مکتب" یا "تخصص" و "اقتصاد بازار یا نگراندند، و اوضاع سالهای اخیر را شاهد می‌گیرند که "توسعه"

عالی سیاسی "خودی" ها میتواند بسرعت به عروج نیروی عظیم مردم سرگونی طلب در میدان سیاست منجر شود. اینها برعکس میخواهند

دامنه "خودی" ها را محدودتر کنند. دنبال کشف و طرد سیاسی و حذف فیزیکی "خائنین" و "تفویزی" ها در صفوغ خویشند. مجبورند.

میخواهند با خشونت تا

هر وقت بشود بمانند. انسجام و انصباط و اطاعت لازم دارند.

موقعیت کل حکومت و موقعیت هر دو جناح لاعلاج و استیصال آمیز است. بطور عینی مستقل از هر سیاست و تلاش و تدبیری از جانب هریک، جمهوری اسلامی و درجا زدن اقتصادی خاورمیانه است. نه فقط

این مهلکه ندارد. چرا؟

این بست اقتصادی: هیچ نوع ثبات سیاسی، تا

چه رسد به یک تعادل ماندگار تر اجتماعی، بدون یک گشاش اقتصادی اساسی در

ایران ممکن نیست. اما چنین افقی مادام که رژیم اسلامی بر سر کار است مطلقاً وجود ندارد. جمهوری اسلامی

بورژوازی ایران را از چنگال انقلاب چپ گرایانه ضد سلطنتی- ضد استبدادی سال ۵۷ نیز داد. اما برای اندازی سرمایه داری ایران، رشد دادن آن در چهارچوب جهانی کاپیتالیسم امروز و تبدیل بازار داخلی در ایران به یک

میدهد. اما جناح راست مجاب نمیشود. اینها تصویر

صوت مسالم

آنچه که ایران سه سال اخیر را در اساس از ایران پیش از آن متمایز میکند،

تلقی مردم از موقعیت خویش در رابطه با حکومت است.

این آن چیزی است که در ایران عرض شده است. نه

فقط وقوف به اینکه جمهوری اسلامی نباید سر کار باشد،

باید برود، بلکه باور به اینکه میتواند برآنداخته شود، میرود

که برآنداخته شود. نرفت توده های وسیع مردم از جمهوری اسلامی به قدمت خود این

رژیم است. جمهوری اسلامی از ابتدا حکومت اقلیت ناچیزی بوده است که در یک

قهر آمیز با کل حکومت میکشند و شکست کل نظام

شان در این نبرد قطعی است.

اینها مدعی اند میتوانند یک جمهوری اسلامی از خوبین

ترین و خشن ترین سرکوهای سیاسی در تاریخ قرن بیستم

سر پا مانده است. اگر

حکومت اویاش بخواهد اساساً

مصادقی در دنیای امروز داشته باشد، این است. در

این بیست سال هر روز و هر شب میلیونها نفر بر بنیاد

های این حکومت و مقامات و نهادها و مراجعش، بر

اسلامش و رهبری و سپاه و قانون و زندانش از ته قلب

لعن特 فرستاده اند. این احساس عمیق دشمنی با حکومت

اسلامی خیره مشترک و جزء ثابت روانشناسی اکثریت عظیم مردم در طول این دو دهه

بوده است. اما اموز عنصر تعیین کننده دیگری به این روحیه افزوده شده است و آن

امید و باور روزافزون به نایابی قریب الوقوع رژیم است. این موتور محركه روند اوضاع سیاسی در ایران امروز است. مردم برای افتاده اند.

میخواهند رژیم اسلامی برود. کل بحران رژیم اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

و نیازهای سیاسی و فرهنگی اکثریت عظیم مردم دیگر عیان شده و یک مبارزه وسیع اجتماعی برای رفع این تناقض در ایران آغاز شده است. جمهوری اسلامی لبی پرتابه است. جناح راست نمیتواند قدرت را حفظ کند. سلاح سرکوب و ارعاب بیمصرف و کند شده. دگرگونی عمیق اوضاع اجتناب ناپذیر است. اما سیر تحول آنجا که دوم خرداد ها میخواهد متوقف نمیشود. نقطه تعادل اسلامی جدید وجود ندارد.

سايه این واقعیت بر همه سیاستها و اعمال جناهای حکومت بشدت سنگینی میکند. جناهای رژیم اسلامی در جدال با هم اند به آنکه واقعاً قصد پیروزی کامل بر یکدیگر را داشته باشند. یکدیگر را میکویند، بی آنکه بخواهند حریف را واقعاً حذف کنند. به آرامش دعوت میکنند بی آنکه بخواهند آرام بمانند. از کودتا میترسانند تا ناگیری به کودتا شوند. ناگیرند با یکدیگر بجنگند چون در پیروزی یکجانبه طرف مقابل نابودی کل نظام را میبینند. این نبرد بر سر گرفتن سکان نظامی است که تنها چهارچوب حفظ اقتدار مشترک اسلامیون در ایران است. این حد نهایی جدال دو جناح و همیسطور الگوی برحورده هریک را به مردم و به جنبش رادیکال در ایران ترسیم میکند.

واقعیات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی امروز ایران و بن بست همه جانبه رژیم اسلامی و اسلام سیاسی در ایران، همچنین خطوط زندگی پس از جمهوری اسلامی را نیز رسم میکند. چه نیروهایی بازیگران اصلی در صحنه سرنگونی و تعیین سیمای سیاسی آتی ایران خواهد بود. صفت بندی های استراتژیکی تر در جامعه ایران چه خواهد بود. چه نظام سیاسی ای شانس پیروزی در ایران دارد. به این نکات باید در بخشهای بعدی پردازیم. ادامه دارد

کودکانه است.

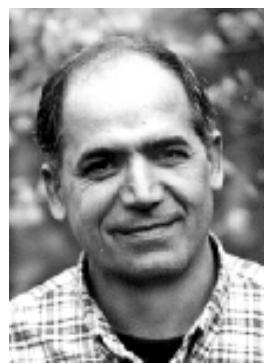
- ۳- بن بست فرهنگی. اسلام رفتی است. اسلام دارد از زندگی مردم ایران رخت بر میبیند. نه فقط از حکومت و دولت و آموزش و پرورش، بلکه از منظره شهرها، از دنیای درونی تک تک انسانها، از عمق عواطف و فرهنگهای فردی شان، از خود آگاهی شان، از مناسبات روزمره شان با هم. اسلام دارد ور می افتد، درست به همان شکلی که دین و جهالت بطور کلی باید ور بیفتند. باید پشت سر گذاشته شود. ایران یک موج برگشت وسیع ضد اسلامی را تجربه میکند. رژیم سیاسی آتی ایران چه چپ باشد و چه راست، چه انقلابی باشد و چه ارتقاضی، فقط میتواند غیر مذهبی باشد. مردم بنياد های هویتی رژیم اسلامی را به لرزه در آورده اند. جمهوری اسلامی نمیتواند باقی بماند، از جمله و بویژه به این دلیل که مذهبی است. اسلامی است. جناح راست با کویین بر طبل اسلامیت فقط به انتزاجار عموم می افزاید و آتش عصیان و قیام را شعله ور میکند. اما دوم خردادی ها هم راه حلی ندارند. این تصور که مردم ایران علیه اسلام محمدی بر میخیزند و به میدان میباشد، تا بعد بدست خودشان اسلام "پروتستان" نیم پز این و آن را به تخت بنشانند و میان عمامه های انتخاب کنند، از فرط حمact فکاهی است. سیر تحولات آتی ایران قالب اسلامیت را پاره میکند و همراه آن تمام جریانات اسلامی، از خاتمه چی ها و نهضت آزادی ها تا طیف وسیع اپوزیسیون اسلامیزه و شرقده حاصل تجزیه و دگردیسی حزب توده و جبهه ملی، که به یک معنی وسیع تر تاریخی براستی باید از نظر اسلامیون "خدوی" محسوب شوند را بیش از پیش ممنزوی و بی ربط میکند. دوم خردادی ها هرچه که بکارند، بهر حال مخصوصش را خود درخواهند کرد. این یک اردوی ناپایدار و گذراست.
- این صورت مساله است. ناسازگاری جمهوری اسلامی با حیات اقتصادی ایران، انتظارات

نهایی رژیم اسلامی را رقم میزنند، موقعیت سیاسی کنونی حکومت دال بر آن است که این "عاقبت" هم اکنون فرا رسیده کند سرنگون میشود. و امروز دقیقاً به این موقعیت رسیده است. جمهوری اسلامی توان حکومت کردن بر مردم ایران ایم. مردم ایران اعلام کرده اند و سران حکومت هم از هر رنگ و قماشی درک کرده اند که روند واژگونی حکومت آغاز شده است. این یک تحول جدید است. مردمی که امروز برای پاشین کشیدن رژیم اسلامی به میدان آمده اند اکثراً نسل جدیدی اند که به این حکومت چشم کشوده اند. آن را با حدقان انتظارات بشر امروزی از زندگی، از آزادی و حرمت انسانی در تناض و ضدیت میبینند و مشابه یک دولت انتلافی وقت و در حال گذار راست در ایران بوجود آمده بود. از نظر هیچکس تکلیف مساله قدرت و دولت یکسره نشده بود و ثانیاً، نه فقط خود حکومت دستخوش شدید ترین تحولات بی خاصیتی سرکوب در شرایط ایران امروز صورت مساله است. نقطه شروع بحران است. سیاست سرکوب بیشتر بنابراین پاسخ ایران اندک بود و فی الحال انتظارات و آرمانهای جنبشی که اینک برای آزادی در ایران شکل میگیرد، آنقدر وسیع و فراگیر و رادیکال است که چهارچوب مقرر جامعه مدنی ادعایی دوم خردادیها حتی یک روز هم نمیتواند به آن قالب بزند. آزادی تشکل و اعتصاب و احزاب، آزادی مختلف و بسیاری روزنامه های اخوند بودند، حجاب در سطح شهر اجرای نبود، روزنامه های مختلف و بسیاری روزنامه های کمونیستی (و نه صرفاً روزنامه های سپاسدارها و شکنجه گرهای سابق و ولتر بدله های امروز) علیرغم همه جفتک اندازی های حکومت منظماً منتشر میشدند. شوراهای و سازمانهای مستقل کارگری علیرغم عرضی این ایشان میکرند، جنبش دانشجویی اساساً تحت رهبری چپ بود. چماقداری وجود داشت، اما چماقداری پیروز نشده بود. این حکومت، در شکل کنونی اش، امروز و نسل معتبر ایران مخصوص هجوم خوین و نظامی - پلیسی ۳۰ خرداد صحت به بعد و کشتار عظیم مخالفان در ایران است. جمهوری اسلامی درآمد نخستین قرن ۲۱ باشد. این تصور که نهضت دوم خرداد میتواند سدی بر این پیچیدگی ها و پختگی دنیای ایران را منعکس میکند. امروز را ممنزوی و بی ربط میکند. دوم خردادی ها هرچه که بکارند، راه افتاده است میتواند بیش درآمد نخستین انقلاب سوسیالیستی قرن ۲۱ باشد. این تصور که نهضت دوم خرداد میتواند سدی بر این موج باشد یا مجرایی برای سوق دادن آن به تعديلات جزئی و نیم بند در نظم موجود تصویری یک تراژدی عظیم انسانی، یک هالاکاست اسلامی، است. امروز مردم همین تنها رکن حکومت،

انست که اگر بخواهند سرمایه داری ایران با شرکت و حمایت سرمایه ها و دول غربی یک روند جدی بازسازی و انباشت را تجربه کند، چرخش دولت سرمایه داری و کل بورژوازی و ایت سیاسی و فکری ایران بسوی غرب باید چنان آشکار، علنی، چشمگیر، مشتاقانه و ایدئولوژیک باشد که ایران به یک پایگاه جدی و فعال و علنی طرفدار غرب در منطقه اگرچه چیزی با نام جمهوری اسلامی ایران بپای شده بود، تبدیل شود. کشورهایی مانند مصر و ترکیه، با همه اعلام وفاداری شان به غرب و آمریکا و با همه رابطه نزدیک سیاسی و نظامی شان با غرب، هنوز از نظر اقتصادی از مناطق فراموش شده جهانند. شکوفایی کاپیتالیسم ایرانی به یک نزدیکی و اتحاد بین المللی حتی بسیار فراتر از این کشورها نیاز دارد. تامین و تضمین این درجه نزدیکی، حتی اگر بخواهند، از حیطه قدرت و مقدورات تاریخی این جریان بیرون است. شکست قطعی اسلام سیاسی شرط نخست این روند است. اما جریانی که اسلام را شکست بدده بنا به تعریف دیگر نمیتواند اسلامی بوده باشد یا مانده باشد. این ما را به یک حکم ساده میپرساند. اگر هم پاسخ کاپیتالیستی ای برای اقتصاد ایران، هر قدر کوتاه مدت، وجود داشته باشد، این پاسخ از درون حکومت اسلامی نمیتواند داده شود. جناهای حکومت از نظر اقتصادی در یک بن بست تاریخی قرار دارند. با توجه به اوضاع اقتصادی ایران، با توجه به خواستها و انتظارات اقتصادی مردم ایران، بدون پاسخ اقتصادی، ولو پاسخی میان مدت، تعادل سیاسی برای هیچ دولت بورژوازی در ایران دیگر ممکن نیست. نه جناح راست و نه دوم خردادی ها راهی برای برونو رفت از بحران ندارند. هیولای اقتصاد، جمهوری اسلامی را به سمت سقوط میراند. نه زدن و بستن و نه توسعه "خدوی" ها پاسخ این مساله نیست.

۲- بن بست سیاسی: اگر موقعیت اقتصادی ایران عاقبت

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



بیاندازند. اما هشدار کیهان لازم نبود. اینها درس خود را از بر بودند. درست سه روز قبل از کنفرانس برلین جلاسی پور یکی از سرداران دوم خرداد در روزنامه عصر آزادگان به صراحت اعلام کرد که از اعدام‌های دستگمعی مردم کردستان پشیمان نیست، به آن اختخار هم میکند. در کنفرانس هم از آن دفاع کرد. منافع مشترکشان و امنیت شخصی شان ایجاب میکند که تا آنجا که میتوانند در مقابل این خواست مردم کوتاه نیایند و مقاومت کنند. راهش حفظ رژیم است و سرکوب هرکس بخواهد از خط قرمز فراتر رود.

ماجرای برلین یک شکست برای جمهوری اسلامی، هر دوچارش، بود و همینطور برای کسانی که در خارج حکومت در رکاب دو خردادیها هستند. در مقابل پیروزی آشکاری برای کنفرانس نیایند و مقاومت کنند. امازیدیخواه که قصد کوتاه آمدن آزادیخواه را داشت، برای مردم کنفرانس نیایند. امروز این نیرو ندارند و مشخصاً برای حزب کنفرانس نیایند کارگری. با واقعه برلین حزب کنفرانس نیایند کارگری و چهره های آن به خانه میلیونها نفر از مردم در ایران و در سراسر جهان رفت. مردم، در مقیاسی چند میلیونی عزم و پیام حزب کنفرانس نیایند کارگری را برای سرگونی این رژیم شیدند. جناح دو خداد در انتقاد به مسئولین صدا و سیما میگویند شعارهای نیروهای برانداز را در سطح میبلوونی مطرح کردید. این یک پیشگیری میباشد. با این کنفرانس اسلامی بود. با این سرگونی طلبی بنظر من جیان سرگونی طلبی در داخل ایران تکانی به جلو خورد و از فردا مصمم تر در مقابل حکومت اسلامی قد علم خواهد کرد. از نظر خیلی ها اکنون یک حزب سیاسی مصمم و استوار برای انتخاب وجود دارد. حزبی که کاسه کوزه رژیمی ها را در برلین بهم ریخته است.

حزب کنفرانس نیایند کارگری بنبال وقایع برلین، در داخل و خارج ایران سپاه قدرمندتر بیرون آمد و با دست بازتری به فعالیت ادامه خواهد داد. اکنون با هر جنبش اعتراضی و با هر برآمد اعتراضی در شهرهای ایران این حزب کنفرانس نیایند کارگری و جیان سرگونی طلبی است که عروج میکند. این روزی این رژیم میکند، این روز فرا میرسد. میخواهند هرچه میتوانند عقبش

منعکس شود، این پیام مینا احمدی و آذر مدرسی بود که همه جا طین افکند. میلیونها نفر در داخل و خارج صدای آزادیخواهان و کمونیستها را شنیدند و آنها هم که موفق به شنیدن آن از رسانه های فارسی زبان خارج کشور نشده بودند آنرا از رسانه های هر دوچار جمهوری اسلامی به کرات شنیدند و خوانند. بهررو خواب و خیالهایی که برای این کنفرانس دیده شده بود به شکل زمحتی در هم شکست و زحمت چند ماهه آنها به لطف روش بینی و تاکتیک های سنجیده و حساب شده مخالفین بر باد رفت. نفرت و دق دل طرفداران رژیم از همینجا است.

بهررو اقدام رفاقتی ما در برلین ادامه جنگ مردم با جمهوری اسلامی در داخل کشور است. امتداد مبارزه مردم برای سرنگونی است و کسی نمیتواند مانع آن شود، با بیشترین کشتار هم توانسته اند. امروز این نیرو کم راست کرده است.

انترناسيونال: روزنامه کیهان جمهوری اسلامی بعد از شکست کنفرانس برلین، با اشاره به حزب کنفرانس میلیونی کارگری خطاب به جانی پور گفته است که اگر شما از اعمال گذشته ات هم توبه کنید آنها شما را نمی بخشند..

صغر کریمی: دست اندرکاران کیهان و جناح خامنه‌ای دارند ترس واقعی شان را مطرح میکنند. دارند هشدار میدهند که مبادا شروع کنید از گذشته خودتان انتقاد کردن، که اگر سر این فرقه باز شود تا آخر میروند. جنبش تیرماه را دیده اند، اعتراض مردم شهراهی کردستان را دیده اند، اعتضایات رو به گسترش کارگران را میبینند، شورش مردم را خلخال و جوانان رشت و شاهی را دیده اند و نفرت و انتصار جوانان و زنان هم یک دم آسوده شان نگذشته است. از ترس بخود میپیچند و حق هم دارند. دوراندیشی زیادی لازم نیست تا خود همکاران سایق خود را به فهمند. همین الان مردم زیر سرگزه خواست محکمۀ سران رژیم را شروع کرده اند، مردم به سالهای این طرفدار خرداد هم دارند رجعت میکنند تا فردا به حسایشان برسند. موضع کیهان دفاعی و از ترس است. یقین دارند که این روز فرا میرسد. میخواهند هرچه میتوانند عقبش

اعتراض در برلین امتداد مبارزه در ایران است

**گفتگو با اصغر کریمی
رئیس هیات دیپلم حزب کمونیست کارگری**

انترناسيونال: کنفرانس برلین و سرونشت آن به یک موضوع بسیار معمولی و پر سر و صدا در داخل و خارج ایران تبدیل شده است و هنوز بحث بر سر آن ادامه دارد. هدف اصلی از تشکیل این کنفرانس چه بود؟

صغر کریمی: هدف روش بود. بهبود مناسبات دولت آلمان و کلا غربی با جمهوری اسلامی و جناهای آن با دشواری بسیار بیشتری مواجه میشود.

انترناسيونال: روزنامه های ایران و همچنین رسانه های سالیانه کنفرانس هاینیش بل و حضور سایر مخالفین جمهوری اسلامی، این کنفرانس هم از دو هفته قبل از برگزاری آن به نقش حزب کنفرانس نیایند که زیاد اشاره کرده اند، و این اولین باری موضع افشاگری علیه جمهوری اسلامی و جنایات آن و افشاء همکاری در مقابل حضور کنفرانس را به عکس خودش تبدیل کردند. میخواستند به جمهوری اسلامی مشروعيت بدهنند. میخواستند جناح خاتمی این اعتراضات چیست؟

صغر کریمی: در سالهای گذشته شاهد رفت و آمد بیشتری از جانب مقامات جمهوری اسلامی و برخی مهه های پیشین حکومت اسلامی به خارج کشور بودند. این اتفاقات دوستی سخنرانی آنها را پخش کنند و چند تا مصاحبه هم در حاشیه آن با طرفداران رژیم در خارج ترتیب دهند. و آنوقت در صورت تبدیل کردیم. میخواستند به این اعتراضات چیست؟

صغر کریمی: در کشورهای مختلف اسلامی به خارج کشور بودند. این اتفاقات دوستی سخنرانی آنها را پخش کنند و چند تا مصاحبه هم در خارج ترتیب دهند. و آنوقت در صورت تبدیل کردیم. میخواستند به این اعتراضات چیست؟

انترناسيونال: روزنامه های ایران است، ادامه همان سیاست غرب در زمان سرگونی شاه با این تفاوت که حکومت شاه از نظر استراتژیکی مطلوب غرب بود و حکومت اسلامی حکومتی نیست که در دراز مدت مطلوب غرب باشد. سیاست دول غربی پراکنده است. تا آنجا که امکان پذیر باشد از وضع موجود حمایت میکنند، در مقابل تغییرات هم تا آخر مقاومت نمیکنند. خود را با آن و تا جانی که با منافع آنان تقابل بینایی داشته باشند وقت میدهند و تلاش میکنند در جهت مطلوب خود آنرا تغییر دهند. برای دولت آلمان این کنفرانس در عین حال جزء

وزارت امور خارجه آلمان و کارشناسان دوخردادی در خارج چنین تعیین کردند، از حمایت بسیار فعالتر جبهه دو خداد در خارج کشور هم تدبیر شد. اما علیرغم همه تدبیر مشترک شان، غلط محاسبه کرده بودند و به قول خودشان روى از جهان مردم از حکومت اسلامی و قدرت نیروی رادیکال کم حساب کرده بودند.

با تبلیغات گسترده تشکیلات آلمان حزب، برگزاری سیمینارهایی در این کنفرانس هاینیش بل و سالیانه کنفرانس هاینیش بل و حضور سایر مخالفین جمهوری اسلامی، این کنفرانس هم از دو هفته قبل از برگزاری آن به نقش حزب کنفرانس نیایند که زیاد اشاره کرده اند، و این اولین باری میخواستند که حزب کنفرانس کارگری در مقابل حضور عوامل حمایتی اسلامی در خارج کشور از سازمان میهدند. هدف حزب از بیانی میهدند. این اعتراضات چیست؟

صغر کریمی: در سالهای گذشته شاهد رفت و آمد بیشتری از جانب مقامات جمهوری اسلامی و برخی مهه های پیشین حکومت اسلامی به خارج کشور بودند. میکنند. هدف این اولین باری تاثیر گذاشتن بر این روند بازی میکنند. هدف این اولین باری گیری آلترناتیو سرگونی میکنند. حرکت مستقل مردم برای سرگونی جمهوری اسلامی و ممانعت از قد علم کردن یک نیروی رادیکال برای تغییراتی بینایی در جامعه ایران است، ادامه همان سیاست غرب در زمان سرگونی شاه با این تفاوت که حکومت شاه از نظر استراتژیکی مطلوب غرب بود و حکومت اسلامی حکومتی نیست که در دراز مدت مطلوب غرب باشد. سیاست دول غربی پراکنده است. تا آنجا که امکان پذیر باشد از وضع موجود حمایت میکنند، در مقابل تغییرات هم تا آخر مقاومت نمیکنند. خود را با آن و تا جانی که با منافع آنان تقابل بینایی داشته باشند وقت میدهند و تلاش میکنند در جهت مطلوب خود آنرا تغییر دهند. برای دولت آلمان این کنفرانس در عین حال جزء

انترناسيونال: روزنامه های ایران است، ادامه همان سیاست غرب در زمان سرگونی شاه با این تفاوت که حکومت شاه از نظر استراتژیکی مطلوب غرب بود و حکومت اسلامی حکومتی نیست که در دراز مدت مطلوب غرب باشد. سیاست دول غربی پراکنده است. تا آنجا که امکان پذیر باشد از وضع موجود حمایت میکنند، در مقابل تغییرات هم تا آخر مقاومت نمیکنند. خود را با آن و تا جانی که با منافع آنان تقابل بینایی داشته باشند وقت میدهند و تلاش میکنند در جهت مطلوب خود آنرا تغییر دهند. برای دولت آلمان این کنفرانس در عین حال جزء

انترناسيونال: روزنامه های ایران است، ادامه همان سیاست غرب در زمان سرگونی شاه با این تفاوت که حکومت شاه از نظر استراتژیکی مطلوب غرب بود و حکومت اسلامی حکومتی نیست که در دراز مدت مطلوب غرب باشد. سیاست دول غربی پراکنده است. تا آنجا که امکان پذیر باشد از وضع موجود حمایت میکنند، در مقابل تغییرات هم تا آخر مقاومت نمیکنند. خود را با آن و تا جانی که با منافع آنان تقابل بینایی داشته باشند وقت میدهند و تلاش میکنند در جهت مطلوب خود آنرا تغییر دهند. برای دولت آلمان این کنفرانس در عین حال جزء

آئین نامه انتخابات کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران

مصطفوی هیات دبیران، نشست ۳۱ مارس ۲۰۰۰

- ۱- انتخابات در دو مرحله انجام میگیرد، سراسری و محلی. ابتدا انتخابات سراسری و بعد از روشن شدن نتایج، انتخابات محلی انجام میشود.
- ۲- جمع نمایندگان کنگره ۱۵۰ نفر است. سهمیه انتخابات سراسری ۶۰ نفر و سهمیه تشکیلاتهای محلی ۹۰ نفر است.
- ۳- شرکت در انتخابات داوطلبانه است.
- ۴- هر عضو حزب فقط در یک حوزه میتواند رای بدهد.
- ۵- رای کیری به صورت کاملاً مخفی انجام میشود.
- ۶- شمارش آرا زیر نظارت هیئت دبیران انجام میشود.
- ۷- در انتخابات های سراسری و محلی نمایندگان با اکثریت نسبی آرا انتخاب میشوند، یعنی کسانی که آرای بیشتری نسبت به دیگران آورده اند انتخاب میشوند. علاوه بر این، در انتخابات سراسری حداقل آرای لازم برای انتخاب شدن ۲۰ درصد کل آرای رای دهنگان است.
- ۸- انتخابات سراسری در یک مرحله انجام میشود. در صورتیکه تعداد نمایندگان انتخاب شده در انتخابات سراسری کمتر از ۶۰ نفر باشد (یعنی کمتر از ۶۰ نفر صاحب حداقل ۲۰ درصد آرا شوند) بقیه سهمیه سراسری به سهمیه تشکیلاتهای محلی اضافه خواهد شد.
- ۹- در انتخابات های سراسری و محلی اعضا میتوانند به هر تعداد مایل باشند (حداکثر به تعداد سهمیه نمایندگان) رای بدهند. برگه هایی که به تعدادی بیشتر از سهمیه نمایندگان رای داده باشند باطل میشوند.
- ۱۰- اعتبارنامه امنیتی نمایندگان قبل از شروع کنگره باید تائید شده باشد. هر کس خود را کاندید میکند، اکثر قبلاً تائید امنیتی نگرفته باشد، باید فرم مربوط به تائید امنیتی سطح کادر را پر کند.
- ۱۱- طبق قرار مصوب پلنوم ۱۱ کمیته مرکزی، تشکیلاتهایی که با صندوق مرکزی تسویه حساب مالی نکرده اند نمایندگانشان فاقد حق رای قطعی در کنگره خواهند بود، همچنین نمایندگانی که حق عضویت‌های خود را تسویه نکرده باشند در کنگره حق رای قطعی نخواهند داشت.
- ۱۲- هیات دبیران مرجع بررسی شکایات احتمالی از نحوه برگزاری انتخابات است.
- ۱۳- فاتح بهرامی از طرف هیات دبیران مسئول مستقیم سازماندهی انتخابات است.

کنگره سوم حزب کمونیست کارگری ایران در اکتبر ۲۰۰۰ برگزار میشود کنگره علنی است و ورود برای عموم آزاد است

- اطلاعیه مطبوعاتی حزب کمونیست کارگری ایران در باره برگزاری کنگره سوم و انتخاب نمایندگان با
بنای مصوبه پلنوم یازدهم فارسی زبان نیز برای حضور در کمیته مرکزی حزب، کنگره این کنگره دعوت بعمل خواهد سوم حزب کمونیست کارگری ایران در اکتبر ۲۰۰۰ بطور علنی برگزار میشود. تعداد ۱۵ نماینده از تشکیلات های حزب در کنگره شرکت خواهد کرد. از احزاب و سازمانهای وقت با کمیته های متبع خود سیاسی و رسانه های خبری تماس برقرار کنند.
- رئیس هیئت دبیران حزب ۱۳۷۸ اردیبهشت ۳ آوریل ۲۰۰۰
- اصغر کریمی

یک رای حاضرین است.

یازده نفر به شرح زیر به عضویت دفتر سیاسی انتخاب شدند:

فاتح بهرامی، حمید توکانی، علی جوادی، رحمان حسین زاده، منصور حکمت، فاتح شیخ الامامی، اصغر کریمی، اسد گلچینی، آذر ماجدی، آذر مدرسی و کورش مدرسی. همچنین منصور حکمت به عنوان دبیر کمیته مرکزی حزب انتخاب شد. در اولین نشست دفتر سیاسی پس از پیان پلنوم، حمید توکانی پلنوم یازدهم تصویب کرد که دبیر کمیته مرکزی سوم حزب کمونیست کارگری ایران بصورت علی و با حضور ناظران و مدعوینی از سایر سازمانهای اپوزیسیون، شخصیت‌های آزادیخواه، نشریات و رسانه‌ها در ماه اکتبر ۲۰۰۰ برگزار شود.

فاتح بهرامی، رحمان حسین زاده، آذر ماجدی، آذر مدرسی، کورش مدرسی و اصغر کریمی رئیس هیئت دبیران.

کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰۰۰ مارس ۱۴

برگزاری پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران

- پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران در روزهای ۱۸ تا ۲۰ فوریه ۲۰۰۰ با حضور اکثریت اعضای کمیته مرکزی و هیاتی از دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق برگزار شد. اهم دستور پلنوم عبارت بود از:
- ۱- بحث پیرامون گزارشات کتبی دبیر کمیته مرکزی به پلنوم یازدهم اوضاع سیاسی ایران و گسترش اعترافات اشتار مختلف مردم
 - ۲- بررسی روند اوضاع سیاسی ایران و گسترش اعترافات کارگری در ایران
 - ۳- موقعیت عمومی جنبش کارگری و گسترش اعترافات کارگری در ایران
 - ۴- استراتژی حزب در ایران
 - ۵- رادیو انترناسيونال
 - ۶- نشریه انترناسيونال
 - ۷- موقعیت مالی حزب
 - ۸- وظایف، روشها و تقسیم

انترناسيونال هفتگی

Email: haftegi@yahoo.com
Fax: 0044-8701207768
Website: www.haftegi.com

Address: BM Box 8927 London WC1N 3XX
England

Bank Account:
Z.I. Konto: 520 5164 008
BLZ: 10090000
Beliner Volksbank Germany

سایت های مختلف حزب و نهادهای نزدیک به حزب روی اینترنت

www.haftegi.com
www.wpiran.org
www.rowzane.com

www.medusa2000.com
www.marxsociety.com
www.kwpiran.org

رادیو انترناسيونال

رادیویی قوی با پوشش سراسری در ایران صدای حقیقت صدای آزادی صدای کارگر صدای انسانیت

هر شب ۹:۳۰ تا ۱۰ بوقت تهران

بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی

۱۹ متر برابر با ۱۵۵۵۰ کیلوهرتز

تلفن ۱۰۹۹ ۴۶۱ ۷۷۱ ۰۴۴

تلفن مرکز اطلاعات و پیامگیر رادیو:

۰۰۴۴ ۲۰۸ ۹۶۲ ۲۷۰۷